

ارزشیابی توصیفی: نگاهی کاستی جویانه به آیین نامه ارزشیابی توصیفی

دکتر عبدالحمید رضوی

بررسی میزان تناسب مفاد آیین نامه با اصول ارزشیابی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، ارزیابی آیین نامه از نظر اصول آیین نامه نویسی، بررسی میزان تحقق اهداف آیین نامه، بررسی چگونگی اجرای آیین نامه، شناسایی نقاط قوت و ضعف، نارسایی‌ها، محدودیت‌ها موانع و مشکلات اجرایی، بررسی چگونگی نظارت بر اجرای آیین نامه، بررسی واکنش‌های گروه‌های ذی‌ربط، ذی‌نفع و ذی‌علاقه نسبت به مؤلفه‌ها و جنبه‌های مختلف آیین نامه هدف این مطالعه بوده است.

پژوهش در ۶۴ دبستان واقع در ۳۰ منطقه آموزشی ا به اجرا در آمده است. ۱۹۴۶ نفر دانش آموز در ۶۴ مدرسه (۳۶ پسرانه و ۲۸ دخترانه) تحصیل می‌کردند. از بین اولیاء مدارس منتخب، تعداد ۱۵۸۳ ولی (پدر یا مادر) به طور تصادفی انتخاب شدند. از تعداد ۳۵۹ معلم در مدارس منتخب نظر سنجی به عمل آمد.

نتایج نشان داد که اصولی همچون "تأثیر ارزشیابی بر بهبود فرایند یاددهی-یادگیری" و "توجه به دانش‌ها و نگرش‌ها و مهارت‌های دانش آموزان" در آئین نامه بیشتر رعایت شده است. آنچه که بیشتر نیاز به تجدید نظر دارد به ویژگی‌های همچون "هماهنگی در تحقق اصول" و "خود ارزیابی"، "توجه به فرایند های فکری منتهی به پاسخ"، "بدین معنی که سوال امتحانی به گونه ای تنظیم شود که یادگیرنده را به دادن پاسخ یا پاسخ‌هایی وادارد که نیازمند تحلیل باشد و نه اتکا به حافظه" ارزشیابی کردن از کارهای گروهی" و "استقلال مدرسه و معلم در فرایند ارزشیابی" مربوط است. بررسی میزان مناسب بودن مفاد آئین نامه بر اساس اصول ارزشیابی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش نشان داد که کارشناسان و مدیران مدارس واکنش‌های متفاوتی داشته‌اند. برای آنان اهداف روشن است و تبصره‌ها و توضیح مواد و مصادیق به خوبی راهنمای عمل هستند. آنان هم چنین متن آیین نامه را ساده توصیف کرده‌اند. در عین حال آیین نامه را دارای نقاط ضعفی می‌دانند. این گروه معتقدند متن آیین نامه کمتر می‌تواند از اشتباهات جلوگیری کند و نیز برخی از مواد آن قابل اجرا نیست و دیگر اینکه محتوای آیین نامه نتوانسته بین بخش‌های مختلف آموزش و پرورش هماهنگی ایجاد کند از نظر آنان برخی از مواد آیین نامه کمتر کار بردار است، همچنین کمتر حاوی جزئیاتی است که در اجرای قوانین تسهیل ایجاد کند به طور خلاصه می‌توان گفت کارشناسان و مدیران مدارس نسبت به مؤلفه‌هایی چون "تدوین" و "وضوح و هماهنگی" مواد آیین نامه نگاه مثبت‌تری نسبت به مؤلفه "کاربر مدار بودن" آن دارند. به طور کلی مفاد آیین نامه تا حدود زیادی با اصول مصوب شورای عالی آموزش و پرورش منطبق است اما در مورد برخی از مواد آیین نامه نیاز به انجام اصلاحاتی است. این اصلاحات بیشتر به موادی مربوط است که بتواند به تصویر روشن‌تری از پیشرفت یادگیری دانش آموز ارائه دهد و به بهبود مهارت خود سنجی آنان کمک کند.

با هم نگری آنچه که به محدودیت‌های اجرایی آئین نامه مربوط است نشان داد که "وقت"، "تراکم کلاس" و "نا آشنایی والدین با ارزشیابی توصیفی و همکاری آنان با مدرسه"، "تنظیم پوشه کار" مهم‌ترین محدودیت تلقی می‌شود. در این میان معلمان مرد نسبت به دانش و اطلاعات مسئولین و مدیران خود در مورد آئین نامه منتقد تر بوده‌اند. آن‌ها بیشتر از زنان معتقدند مدیران و مسئولین رده‌های بالاتر کمتر از مفاد آئین نامه اطلاع دارند. علاوه بر این ناآشنایی والدین با ارزشیابی

توصیفی و دشواری تحلیل نتایج حاصل از ابزارها نیز از جمله دیگر عوامل مربوط به محدودیت‌های اجرایی آیین نامه تلقی شده است.

به نظر کارشناسان و مدیران مدارس تنها ۴ هدف چون "ایجاد تعامل بین معلم و دانش‌آموز"، "در نظر گرفته شدن علایق دانش‌آموز"، "رشد شخصیت دانش‌آموز" و "آگاهی اولیاء از روند پیشرفت فرزندان" تحقق یافته‌اند اما معلمان به تحقق اهداف بیشتری معتقدند آنها به خلاقیت و استعداد به عنوان دو مقوله‌ای که در ارزشیابی توصیفی به آنها توجه بیشتری می‌شود، تاکید زیادی دارند. نتایج بیانگر آن است که مدیران مدارس نسبت به تحقق اهداف در مقایسه با کارشناسان نظر مثبت‌تری دارند. که این شاید به احساس رایجی باشد که امروزه در اغلب مسئولان مشاهده می‌شود. توجه به انگیزه‌ها، شناسایی استعدادها، مهارت خود ارزیابی، ارتقاء روش‌های یاد دهی - یادگیری و تربیتی زمینه‌هایی هستند که ارزشیابی توصیفی نیازمند توجه بیشتر به آنهاست. بیشتر معلمان مناطق محروم معتقدند وصول این هدف به مناطق محروم مربوط نمی‌شود به دلیل کمبود امکانات فیزیکی و نیز مهارت‌های مشاوره‌ای آموزگاران جایی برای شناسایی استعداد دانش‌آموزان وجود ندارد. البته آنچه که بیشتر قابل توجه و تمهید است تا در مورد آن اقدامات مناسبی به عمل آید "خودسنجی" است. به نظر دو گروه کارشناسان و معلمان اجرای آیین نامه تا کنون نتوانسته به ویژه در زمینه مهارت خود سنجی دانش‌آموزان را مهیا سازد.

در مورد نحوه باز خورد باید گفت معلمان تا حدودی فراتر از عملکرد دانش‌آموز به آنان بازخورد می‌دهند و بیشتر باز خورد های خلاصه نویسی شده ای دارند. اما از اینکه بتوانند فاصله بین عملکرد دانش‌آموز و اهداف آموزشی را در هنگام باز خورد توصیف کنند تا حد زیادی ضعیف عمل نموده‌اند. همچنین آن‌ها کمتر توانسته‌اند بین عملکرد فعلی دانش‌آموز و تجربه های قبلی او پیوند برقرار کنند و یا برای پیشرفت‌های بعدی او رهنمود های اصلاحی بدهند. مهم‌ترین مشکل معلمان در رعایت اصل محتوای بازخورد آن است که محتوای بازخوردهایشان به دانش‌آموز با هدف‌های یادگیری مرتبط نیست و یا بازخوردهایشان دانش‌آموز را راهنمایی نمی‌کند و به مهم‌ترین نکات در کار دانش‌آموز کمتر توجه دارد.

شواهد در مورد توجه معلمان به ملاک‌های قضاوت در ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان نشان دهنده آن است که قضاوت‌های معلمان کمتر با هنجارها یا نمونه ای از عملکرد دانش‌آموزان مقایسه می‌شود. بررسی‌ها نشان داد که توصیف معلمان بیشتر به پیشرفت دانش‌آموز اشاره نموده است اما با اصلاح و بهبود عملکرد آنان کمتر اشاره داشته است.

علی‌رغم استفاده نسبتاً مطلوب معلمان در استفاده از کلمات ساده و رعایت قواعد دستوری در نوشتن بازخورد در ورقه های آزمون باید به عدم توجه کافی معلمان به متناسب بودن بازخوردها با سطح رشد دانش‌آموزان اشاره نمود. در بازخورد های معلمان کمتر اثری از خطاب کردن دانش‌آموزان با اسم ملاحظه شد و یا اینکه کمتر حاوی عباراتی بود که برای جبران کاستی‌های یادگیری دانش‌آموز فرصت جبرانی فراهم نموده باشند. بنابراین به نظر می‌رسد معلمان اساساً نیاز به آموزش ویژه و اختصاصی در مورد روش‌ها و تکنیک‌های بازخورد دارند. اما لحن بازخورد معلمان تا حدود زیادی با احترام همراه بوده اگر چه بیشتر به نقاط ضعف دانش‌آموزان اشاره نموده و کمتر توانسته‌اند دانش‌آموزان را فردی فعال معرفی کنند و یا حس کار آمدی را در آنها تقویت کنند.

همچنین می‌توان گفت که نتایج بیانگر درجاتی از مطلوبیت در تحقق اهداف آئین نامه است. تحقق اهدافی که به تعامل معلم و دانش‌آموز و آگاهی اولیاء از پیشرفت فرزندان مربوطند، مطلوب ارزیابی می‌شوند و تحقق اهدافی که به اصلاح

روش‌های آموزشی و تربیتی و نوآوری دانش آموزان و مهارت خود ارزیابی دانش آموزان مربوطند، کمتر مطلوب ارزیابی می‌شوند. عواملی را که بیشتر می‌توان به تحقق نامطلوب اهداف آئین نامه مربوط دانست، عبارتند از "وقت گیر بودن روند ارزشیابی دانش آموزان و تنظیم پوشه کار" و "بازخورد به والدین"، "آشنایی ناکافی والدین و معلمان و مدیران و مسئولان با فلسفه و اهداف ارزشیابی توصیفی" و آنچه که به "امکانات" از قبیل تراکم زیاد کلاسی و کمبود امکانات و وسایل تسهیل کننده آموزش و ارزشیابی در کلاس مربوط می‌شوند.